

حقوق همبستگی، مکانیسم‌های متناقض بین‌المللی و مکانیسم‌های متناسب اسلامی

سیدباقر میرعباسی^۱، ام‌الفخر علامه^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۵/۲۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۲/۱)

چکیده

نسل سوم حقوق بشر عبارت از حقوق همبستگی است، که مبتنی بر برادری و همبستگی می‌باشد. کارل وسک این حقوق را مفهوم جدیدی از حیات بین‌المللی تلقی می‌نماید. به‌رغم این، همبستگی در مسیر حقوقی خود در محتوای متون و همچنین در عرصه بین‌المللی و اجرائی بیش از سه نسل دیگر تحت حاکمیت مکانیسم‌های متناقض استفاده از این حقوق قرار گرفته است، که نهایتاً موجب دور شدن این حقوق از اهداف جهان سوم و حتی نتیجه بخش بودن آن به نفع کشورهای قدرتمند شده است. جهت بازگشت این حقوق به مسیر مورد انتظار کشورهای توسعه نیافته و تحقق برادری واقعی، مکانیسم‌های متناسب استفاده از این حقوق مطرح و پیشنهاد شده است. این مکانیسم‌ها از منظر مبانی فقه و حقوق اسلامی در آیات متعدد قرآن کریم از جمله (آیه ۱۲ سوره حجرات) در خصوص مراعات امنیت شخصیت افراد، حتی در گفتارهای دوستانه اجتماعی و (آیه ۹۲ سوره آل‌عمران) در تلقی نیکی به معنی بخشیدن بهترین‌ها و نیز مواردی از نهج البلاغه منعکس می‌باشد.

واژگان کلیدی: حقوق همبستگی، مناقشه، نسل سوم، همبستگی.

۱. استاد گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران؛
Email: mirabbasi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)؛
Email: allameh313@yahoo.com

مقدمه

نسل سوم حقوق بشر مبتنی بر برادری یا همبستگی است این حقوق جمعی یا گروهی^۱ در برابر نسل اول و دوم می‌باشند که از نظر ماهوی حقوق فردی هستند. و از این نظر پاسخی به پدیده همبستگی متقابل جهانی است.

به نظر کارل وسک^۲ حقوق همبستگی نیروی بسیج‌کننده همه بشریت است و برای تأسیس یک نظام حقوق بین‌الملل پاسخگو گریزناپذیر است، و مفهوم جدیدی از حیات بین‌المللی و جامعه بشری را بیان می‌کند، به مسائل جدید پاسخ می‌دهد و در مقابل دولت قابل استناد و مطالبه می‌باشد و تنها از طریق تلاش دسته‌جمعی بازیگران صحنه اجتماعی، نظیر افراد، دولت‌ها و گروه‌ها، صورت خارجی می‌یابد.

ویژگی اساسی این حقوق از نظر وسک آن است که صرفاً با تلاش همه عوامل اجتماعی یعنی افراد، دولت‌ها، انجمن‌های عمومی و خصوصی و نیز جامعه بین‌المللی تحقق خواهند یافت، اما داینستین^۳ حقوق نسل سوم را جمعی و در مقابل حقوق نسل اول و دوم تلقی می‌کند، و این حقوق را به صورت جمعی و مشترک به انسانها متعلق می‌داند مانند گروه اقلیت‌ها. از نظر وی ماهیت حقوق جمعی ایجاب می‌کند که این حقوق به صورت مشترک اعمال شوند و نه فردی. این مسئله که آیا همبستگی در مسیر حقوقی خود از نظر متون و یا در سطح ارتباطات بین‌المللی گرفتار مکانیسم‌های متناقض استفاده شده است یا خیر، در بخش اول تحت عنوان مکانیسم‌های متناقض بحث می‌شود و حاکمیت مکانیسم‌های متناسب و لزوم روی آوری به ارزش‌های گمشده یا فراموش شده در حقوق همبستگی؛ بخش دوم این مقاله را تشکیل می‌دهد.

بخش اول – همبستگی و مکانیسم‌های متناقض

نسل سوم حقوق بشر با روند رو به گسترش انسانی شدن حقوق بین‌الملل و بین‌المللی شدن حقوق بشر ظهور پیدا کرده است و به لحاظ اختلاف نظرها در ابعاد مختلف فکری و همچنین مکانیسم‌های متناقض استفاده؛ در اوج می‌باشد. برخی مناقشات موجود نسبت به تعریف حقوق همبستگی وجود دارد که شامل مناقشه از نظر واژگان، مناقشه در وظیفه دولت در قبال حقوق همبستگی از نظر محتوا شامل مناقشه در وظیفه دولت در قبال حقوق

1. Collective/ Group Rights

2. Vasak, Karel

3. Dinstein

همبستگی مناقشه در لزوم یا رد فردگرایی، مناقشه در مبانی این حقوق در مبحث اول و در مبحث دوم مناقشات در مفهوم حقوق همبستگی است که در این بخش مرور می‌شود.

مبحث اول - مناقشات در تعریف حقوق همبستگی

در تعریف این حقوق، مناقشاتی وجود دارد چه از نظر واژه‌های گروه و مردم و چه در محتوای این حقوق به معنای مناقشه در وظیفه دولت در قبال همبستگی و همچنین لزوم یا رد فردگرایی و نیز مناقشه در مبانی نسل سوم.

بند اول - مناقشه از نظر واژگان

الف - مناقشه در تعریف واژگان‌های "گروه" و "مردم"

داینستین «مردم بودن» را مشروط به داشتن دو عنصر می‌داند. عنصر عینی که شامل یک گروه قومی یا نژادی است که دارای تاریخ مشترک می‌باشند و عنصر ذهنی به سبب عدم کفایت تاریخ مشترک در تعریف مردم و اینکه لازم است که عادات و رسوم قومی با یک حالت ذهنی در زمان حاضر وجود داشته باشد. [19, v. 25, p. 104]

مکینسون نیز در تعریف مردم وجود دو عنصر؛ دوجنبه عینی و ذهنی در تحقق حق تعیین سرنوشت را لازم می‌داند. [23, p. 75]

در حقوق بین‌الملل «مردم» دارای تمام یا برخی از هفت ویژگی مشترک می‌باشند.

- ۱- عقاید و سنت تاریخی مشترک
- ۲- هویت قومی یا نژادی
- ۳- تجانس فرهنگی
- ۴- وحدت زبان
- ۵- وابستگی مذهبی یا ایدئولوژیک
- ۶- رابطه سرزمینی
- ۷- زندگی اقتصادی مشترک

ب - مناقشه در تعدادی از مردم که می‌توان گروه نامید.

دو مشخصه زیر را در تعریف مردم می‌توان افزود اولاً نیاز نیست گروه بسیار زیاد باشد ولی باید بیش از یک انجمن متشکل از افراد درون یک دولت باشد.

ثانیاً گروه باید به عنوان یک کل واحد نسبت به شناسائی‌اش به عنوان گروه میل و

اراده داشته باشد یا از مردم بودن خودآگاهی داشته باشد و ثالثاً گروه باید نهادها و ابزارهای دیگری جهت ابراز مشخصه‌های مشترک با اراده‌اش برای شناسائی خود به عنوان گروه داشته باشد. [26, 22 February 1990]

بند دوم - مناقشه در وظیفه دولت در قبال حقوق همبستگی

وظیفه دولت نسبت به ویژگی نسل اول حقوق بشر یعنی حقوق آزادی‌ها، عبارت از ایفای نقش و وظیفه دولت به صورت امر عدمی، یعنی عدم ملاحظه دولت می‌باشد (به عنوان مثال عدم جلوگیری از تشکیل اجتماعات) و لذا در مقابل دولت، قابل مطالبه و اقامه‌پذیر است. وظیفه دولت نسبت به ویژگی نسل دوم حقوق بشر یعنی حقوق برابری ایفای نقش و وظیفه دولت به صورت امر وجودی یعنی مداخله و ایفای این وظیفه است که قابل مطالبه از دولت می‌باشد.

این دو قسمت به صورت قواعد حقوقی در قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی قالب حقوقی یافته اند در حالی که حقوق مربوط به برادری و وظیفه دولت نسبت به آن قالب حقوقی نیافته است. در پاسخ به اینکه چرا نباید حقوق بشری مبتنی بر برادری و همبستگی ضروری انسان‌ها داشته باشیم و همچنین توجیه لزوم وجود نسل جدید حقوق بشر را می‌توان از امور مقدماتی کنفرانس‌های آرماند^۱ و بنیاد بین‌المللی حقوق بشر دریافت نمود که می‌گوید "برخی دل‌مشغولی‌های جهانی، هرچند که همیشه مشاهده شده‌اند، امروز ویژگی فوری یافته و روند قاعده‌گذاری در زمینه حقوق بشر نیز نسبت به آنها تأثیرپذیری خاصی از خود نشان می‌دهد، حقوق متعلق به این نسل جدید دارای دو وجه مشترک ذیل می‌باشد.

- ۱- آنها نه ناشی از سنت فردگرایی نسل اول هستند و نه ناشی از سنت سوسیالیستی نسل دوم.
- ۲- آنها ابتدا در روند تقنینی قرار گرفته‌اند و این به آنها امکان می‌دهد که در سال‌های آینده به عنوان حقوق بشر شناخته شوند."

ویژگی این نسل در قبال دولت این است که «حقوق همبستگی» هم قابل اقامه و در عین حال قابل مطالبه از دولت می‌باشند و مهم آن‌که بدون اتفاق نظر و تلاش‌های همه اعم از دولت‌ها، افراد، اشخاص حقوقی، حقوق خصوصی و عمومی، تحقق آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. [۵، ص ۳۲۳-۴۲۶]

1. Armandhammer.

بند سوم - مناقشه در لزوم یا رد فردگرایی در حقوق همبستگی

از نظر طرفداران حقوق همبستگی موارد ذیل گویای رد لزوم فردگرایی است.

۱- فرد به عنوان هسته اصلی جهان‌بینی لیبرالیستی و مقدم بر جامعه تلقی شده است و به عنوان «هر فردی» «هر کسی» «هیچ کس» افراد مورد خطاب قواعد حقوق بشری می‌باشند، نگاه حقوق بشر سنتی به مجموع افراد صرفاً از این زاویه است که به آزادی و برابری یکدیگر احترام بگذارند. انسان آزاد است تا تصمیمات خود را بگیرد خواه خوب و خواه بد، یعنی خود، قبل از عالم سیاسی و مستقل از آن وجود دارد.

۲- بر اساس گفته‌های پیشین نظر حقوق بشر در مورد افراد آرمانگرایانه و شعارگونه است و از سوی دیگر بار همه مسئولیت‌ها را به گردن دولت می‌اندازد. اما اینکه چنانچه دولت نتواند به عنوان مثال به سبب شرایط خارج از اراده یا به سبب اقدامات خرابکارانه یا ... در جهت اجرای حقوق بشر ناموفق باشد چه خواهد شد؟ اینجا است که با ایجاد شدن خلأ، مجریان حقوق بشر خود را موظف به ورود و ایفای نقش می‌بینند در حالی که منادیان حقوق همبستگی درصددند از طریق این نسل از حقوق بشر مشکل را حل نمایند، گفته می‌شود حقوق بشر درصدد کمک به بنیادهای آزادی و برابری است درصدد مقابله با سلطه و استثمار است و همچنین درصدد فراهم نمودن شرایط لازم برای تحقق حقوق بشر می‌باشد. [29, p. 129-131]

۳- با مراجعه به مبانی حقوق بشر می‌توان دریافت که اولاً آزادی و کرامت بشر دو مقوله‌ای است که با تهدید «فرد» در معرض خطر قرار گرفته و از نظر حقوق بشر قابل دفاع می‌باشد اما دیگر هویت‌های جمعی واجد چنین قابلیت نیستند و برخوردار از حقوق بشر نمی‌باشند [20, p. 44] ثانیاً حقوق بشر سنتی معمولاً از حق فرد دفاع نموده، استیفای آن را به عهده دولت می‌گذارد و از ارزش‌های غیرشخصی به دلیل و به بهانه این که آنها از قلمرو شخصی خارج می‌باشند (به دلیل اینکه حقوق همبستگی خارج از قلمرو شخصی است) و اگر در قالب حق ریخته شود مطلوبیت ارزشی بودن آنها لطمه می‌بیند، حمایت نمی‌کند. [28, p. 722] یکی از ابتکارات حقوق بشر سنتی مبتنی بر نظام لیبرالیستی، حذف موضوع مسئولیت و قید و بندهای دست‌وپاگیر و به حاشیه راندن آنها است و اگر مسئولیتی هم هست متوجه دولت‌ها است نه افراد و گروه‌ها. در حقوق بین‌الملل افراد برابر و مستقل از یکدیگر قرار گرفته‌اند و کسی به دیگری مدیون نیست در حالی که همچنان که می‌دانیم در مقابل هر حق تکلیفی وجود دارد و به ویژه

در نظام حقوق بشر باید همراه با حقوق فرد مسئولیت‌پذیری و تعهدات وی نیز مطرح و افراد در قبال هم مسئول می‌باشند. [۸، ص ۴۷-۵۱]

مبحث دوم - نتایج حقوق همبستگی

علیرغم قلم‌فرسایی‌ها در خصوص حقوق همبستگی، دبیر کل اسبق سازمان ملل (آقای پطروس‌غالی) در سخنرانی خود از خطر نابودی پیوندهای همبستگی سنتی و در نتیجه حاشیه‌نشین کردن کشورها و مناطقی از جهان و شکاف بین فقرا و اغنیا، جنگ‌ها، طردها و تضادهای قومی و مذهبی سخن می‌گوید و همچنین از راه‌حل‌های غلطی که به قربانیان این شکاف‌ها ارائه می‌شود وی حقوق‌دانان را مکلف می‌داند که در خصوص مسائل فوری و نیز زمان‌بر برای امنیت جهان فکر کنند. به نظر وی میراث مشترک بشریت که مدت‌های مدید یکی از مهمترین مفاهیم در توسعه حقوق بین‌الملل بود امروزه بیش از پیش یک اصطلاح ادبی الزامی نیست، که فقط در سخنرانی‌های بزرگ و بین‌المللی به کار می‌رود. [۷، ش ۳۵-۳۶، ص ۲۳۷-۲۶۵]

اما اینکه چرا حق مقاومت در برابر ظلم که ابتدا در اعلامیه استقلال آمریکا (۱۷۷۶) پذیرفته شده و در اعلامیه ۱۷۸۹ فرانسه تبیین شده [25, N. 23, p. 287-323] طرفداران نسل سوم حقوق بشر این حق را جزو حقوق نسل سوم ذکر نکرده‌اند در حالی که می‌توان آن را جزء حقوق جمعی محسوب دانست. [18, p. 154-160] همچنانکه ملاحظه شد و دبیرکل نیز به درستی بر آن تأکید دارد موضوع مراجعه به ارزش‌ها و غنی‌سازی حقوق بین‌الملل و بلکه حقوق بشر، به وسیله آنها امری جدی و فوری است.

بخش دوم - همبستگی و مکانیسم‌های متناسب

در این بخش با رویکرد دیگری از حقوق همبستگی مواجه هستیم که گرچه در مواردی با تضارب آراء روبه‌رو است لکن در مفاهیم و مبانی تعریف شده متناسب با اهداف حقوق همبستگی بوده، می‌تواند به عنوان مکانیسم‌های متناسب مورد بحث قرار گیرد از جمله این مباحث، همبستگی آرمان‌گرایانه، همبستگی به معنای حقوق جمع، گروه یا گروه‌ها، به مفهوم ایفای نقش و مسئولیت همبستگی برادرانه و همبستگی به معنای جهانی شدن مطرح می‌شود.

مبحث اول - همبستگی و مفاهیم متفاوت

یکی از گسترده‌ترین و متعددترین مفاهیم در حقوق همبستگی تعدد و تشتت آراء در

مفهوم خود همبستگی است، اینکه همبستگی چیست و ناظر به کدام یک از ابعاد حقوق بشر است، به شدت مورد اختلاف نظر و تعدد مصادیق می‌باشد. در ادامه نوعی دسته بندی به عمل آمده است که گرچه شقوق مختلفی دامن‌گیر آن است لکن نوعی هماهنگی را می‌توان نسبت به مباحث گذشته در اینجا شاهد بود.

بند اول - همبستگی آرمان‌گرایانه

در این نوع مفهوم از همبستگی به عنوان تعاون یاد می‌شود با این ترتیب که در دوره اول به سبب این که دولت‌ها دارای استقلال بوده، دوره ناپستگی حاکم بوده است دوره دوم که ارتباطات بین دول بیشتر شده، دوره وابستگی و عصر کنونی را دوره همبستگی می‌دانند. علت این امر از جهتی تحولات علمی و صنعتی است که موجبات همبستگی دولت‌ها را فراهم می‌نماید و از طرف دیگر تاثیرگذاری تنزل و ترقی جوامع و دولت‌ها بر یکدیگر بر این همبستگی می‌افزاید.

بند دوم - همبستگی به معنای حقوق جمع، گروه یا گروه‌ها

در این برداشت حقوق همبستگی به معنای حقوق جمع گروه یا گروه‌ها است که این حقوق توسط گروه استیفا می‌شود و گاه حق تمتع به فرد و گاه حق استیفا و تمتع هر دو به جمع تعلق می‌گیرد. [21, p 73]

گاه حقوق جمعی به معنای حمایت از منافع و کالاهای جمعی می‌باشد. برخی نیز داشتن اهلیت اقدام آزادی را کافی برای داشتن حق می‌دانند. [22, Sep 22]

به نظر برخی دیگر چنانچه گروه در راستای جلب منافع این خصوصیت (گروه بودن) را یافته است، در این صورت می‌تواند از حق همبستگی استفاده نماید، و به سبب تهدیدهایی که منافع آنان را هدف قرار می‌دهد می‌تواند از حمایت‌های حقوق بشری بهره مند گردد مانند ژنوساید فرهنگی - نوع دیگر همبستگی در توجه به بعد زندگی بشری است مانند صلح، توسعه و محیط زیست سالم [27, p 84]

بند سوم - همبستگی برادرانه

همچنانکه در ماده یک اعلامیه حقوق بشر تصریح شده است که "تمام افراد بشر باید با یکدیگر با روح برادری زندگی رفتار کنند" نوعی همبستگی فراتر از منافع فردی را منعکس می‌نماید به این معنی که افراد نباید صرفاً به فکر منافع فردی خود باشند بلکه می‌باید منافع

دیگران را نیز مدنظر قرارداده، نگران آنان نیز باشند. در واقع برابری به معنای توازن و تبادل در منافع است، در حالی که برادری مرتبه بالاتری از برابری و به معنای ایثار اقدامات جمعی و کمک‌های متقابل است و مردم در مقابل یکدیگر مسئولیت‌هایی دارند. [24, p 119-120] این مفهوم همبستگی نه تنها دولت‌ها بلکه جهان را در کل به یکدیگر پیوند می‌دهد و نوعی همزیستی را در راستای از بین بردن فقر و نیازمندی توصیه می‌نماید.

مبحث دوم – نمونه‌هایی از مکانیسم‌های متناسب

همان‌گونه که می‌دانیم حقوق بشر موضوعی خلق الساعه نبوده و در تمامی ادیان و عرف ابناء بشر شناخته شده است. این حقوق از منظر مبانی فقه و حقوق اسلامی در دو محور قابل بحث است: الف - در بحث کرامت انسانی که قرآن کریم آن را ذکر می‌فرماید "ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً" [سوره اسراء، آیه ۷۰] که این کرامت از ناحیه باری تعالی به وی می‌باشد و آن هم به برکت عقل و روح الهی که در وی است، لیکن این معیار از دیدگاه حقوق بشر غربی مبتنی بر عقل انسان است و ذاتی وی تلقی می‌شود، همچنان‌که به نقل از ولستون کرافت^۱ وی کرامت انسان را در عطیه عقل او می‌داند و ذاتی وی تلقی می‌کند و همچنین کانت^۲ که تعقل ورزیدن را معیار کرامت و ذاتی انسان محسوب می‌دارد. [۴، ص ۱۲۰] نکته بسیار مهمی که مغفول عنه می‌باشد آن است که این قبیل اندیشمندان عامل اعطاکنده را از صورت مسئله حذف و صرفاً عطیه را محور قرار داده‌اند و نه معطی را که در مبانی اسلامی اصل و محور می‌باشد، یعنی ذات باری تعالی، جل و علی. ب - در بحث حقوق بشر، ابعاد اقتصادی آن بالاخص در مکتب شیعه در ابعاد داخلی و بین‌المللی مکتب پیشرفته‌ای را نشان می‌دهد و ثانیاً در بعد اجرائی دستورات آن توسط رهبران و امامان این دین بزرگ بیش از هر زمان دیگر مراعات و همچنین امر به رعایت آن می‌شده است که در این خصوص می‌توان ضمن مرور کوتاهی بر اقتصاد حقوق بشری آن، نمونه‌هایی از نسل‌های حقوق بشری که به نحو بسیار پیشرفته‌ای از زمان رهبران دین متجلی می‌باشد را ارائه نمود.

بند اول – اقتصاد در مکتب شیعه

در میان کلیه مکاتب اقتصادی که بشر تجربه کرده است به نظر می‌رسد به عللی که ذیلاً

1. Wollstonecraft
2. Immanuel Kant

به برخی محورهای آن اشاره می‌شود، مکتب شیعه تحت انقیاد تقوا و اصول الهی مسیر تاریخی خود را با موفقیت پیموده و محدوده هر چیز را دقیق، روشن و مستدل بیان می‌دارد. در این مکتب مسئله اقتصاد موضوع بسیار مهمی تلقی می‌شود. انسان، اهداف و افعال و اموال او همگی رنگ معنویت و الهی دارد و اقتصاد چه در حوزه جامعه و چه در بعد جهانی و بشری اهمیت خاصی می‌یابد. خدا و پیامبر(ص) در این حوزه به صورت‌های خاصی در اموال اشخاص سهیم می‌شوند که طبق نظر فقها این سهم به فقرا، مستمندان (و حتی در مواردی به دیگر ادیان هم) داده می‌شود. به نظر می‌رسد پرداخت میزان معینی از مال به فقرا در شرایط معین در دین یهود نیز وجود داشته باشد. [۶، ۲۳: ۲۳-۲۸]

به عنوان مثال زمانی که شخص زاید بر نیاز خود جمع‌آوری نموده و مدت خاصی بر آن می‌گذرد یک پنجم مال او خودبه‌خود از مالکیت او خارج و سهم خدا و پیامبر(ص) می‌گردد که توسط خود او با میل و رغبت خارج و به اقشار فاقد داده یا با مراجعه به مرجع تقلید این عمل انجام می‌گردد. [سوره انفال، آیه ۴۱]

در مکتب شیعه مالکیت امری متقن بوده طبق قوانین و مقررات دینی و قراردادی حمایت می‌شود و کسب مال مشروع که با تلاش سازنده به دست آمده باشد و در اختیار خانواده قرار گیرد همانند جهاد در راه خدا و از باارزش‌ترین مبانی مذهبی اجتماعی است. [۲، ص ۳۱۴]

عقل معاش در مقابل عقل معاد و موجب تقویت آن است. جامعه و افراد نباید سوء استفاده کرده و کم‌فروشی نمایند و ضمیمه کردن مال دیگران به مال خود بدون رضایت آنان نقش ویژه داشته موجب حرمت مال و حرمت این عمل می‌گردد و در قرآن کریم خصوصاً سوره‌ای به این نام می‌باشد. سوره کم‌فروشان "وای بر کم‌فروشان" [سوره مطففین، آیه ۱]

حدود و ثغور تعامل با اموال خود و دیگران تابع پنج بنیان رفتارشناسی انسانی در قبال خدا و شریعت است و جوب، حرمت، کراهت، استحباب و مباح بودن اصل حاکم: عدم تمرکز بی‌جهت. ثروت ... تا در میان ثروتمندان شما دست‌به‌دست نگردد. [سوره حشر، آیه ۷]

در بعد بین‌المللی تفاوتی در توجه به امور اقتصادی افراد جامعه از لحاظ ادیان آنان نیست داستان پیرمرد نصرانی که حضرت امیرالمومنین (ع) دستور پرداخت هزینه از بیت‌المال را به وی دادند [۱۳، ج ۶، ص ۲۹۳]

در مجموع در این مکتب نکات طلائی ذیل قابل توجه می‌باشد:

۱- کار و تلاش هرکس چنانچه حلال بوده و مالکیت دیگران را به کام خویش نکشد

در حد جهاد در راه خدا و در ردیف با ارزش ترین مبانی تلقی می‌گردد بالاخص آنکه کار و ثمره تلاش خود را در اختیار خانواده و افراد دیگر قرار دهد «الکاد لعیاله من حلال کالمجاهد فی سبیل‌الله» [۲، ص ۳۱۴]

۲- از آنجا که طبیعت بشر در طبیعت اشیاء ادغام شده و با آن مرتبط است و بالاخص طبیعت بشر امری یک پارچه است و افراد آحادی از یک موجودیت واحد بشریت هستند «دهش» امری اساسی و به نوعی با روح الهی خود خداوند نیز سهیم‌اند. این ارزش، خود موجب می‌شود در زمانهائی و تحت شرایطی خدا و پیامبر (ص) در سرمایه‌های افراد شریک شوند و حقی برای آنان بوجود آید. به عنوان مثال زمانی که ۱- شخص زائد بر نیاز خود جمع‌آوری نموده و ۲- نیاز به مصرف آن ندارد و ۳- مدتی نیز از بی‌نیازی وی در مورد آن شیئی یا مال می‌گذرد یا تحت شرایطی طبیعت و فور بیشتری در اختیار او می‌گذارد در این جا سهم خدا و پیامبر (ص) توسط خود شخص با میل و رغبت‌اش از مال او خارج و به افراد فاقد انتقال داده می‌شود. یا سهمی که از طبیعت برداشت کرده به سایر هم‌نوعان او انتقال می‌یابد. مانند چوپانی که گوسفندان خود را در طول سال به چرا می‌برد سالانه باید زکوة آن را بپردازد که این امر در مواردی خاص اعمال می‌شود. [۹، ص ۲۵۳-۲۷۴]

۳- رفتار رهبران شیعه آزمون این نظر را محقق نموده است آنان در طول زندگی خود تا زمانی که حق حیات آنان توسط طرفداران حقوق موضوعه گرفته نشده بود، بر شیوه و منشی رفتار نموده‌اند که خود بیشترین تولیدات را با دست رنج خود بوجود می‌آوردند. و بیشترین بخشش‌ها را داشته‌اند.

حرمت مال اندوزی بلاجهت و حرمت اسراف و تبذیر، سوپاپ‌های اطمینانی هستند که در سایه صبغه الهی داشتن و مکتبی بودن و مسلمان بودن و پیرو تشیع بودن موجب می‌گردد از انباشت بی‌جهت مال و تمرکز آن جلوگیری شود «تا در میان ثروتمندان از شما، دست بدست نگردهد» [سوره حشر، آیه ۷]

۴- تشویق و ترغیب اغنیاء و یا حتی افراد عادی به احسان، ده برابر بودن دادن، صدقه دادن، قرض الحسنه دادن و ... (از جمله آیات) من جاء بالحسنه فله عشر امثالها [سوره انعام، آیه ۱۶۰]

۵- قطع بعضی از قسمت های بدن در صورت حصول شرایط (حدوداً ۲۱ شرط)، در صورت سرقت اموال دیگران [سوره مائده، آیه ۳۸]

۶- لزوم دقت دولت اسلامی (همانند پیشوایان شیعه) در فقر زدائی

۷- تشویق فقرا در صورت ابتلا به فقر به توکل، صبر، استقامت تا وسعت

۸- امهال معسر، دادن فرصت به بدهکار تا هنگام گشایش بدهی خود را پرداخت کند "و ان كان ذو عسره فنظرة الى ميسرة وان تصدقوا خير لكم" [سوره بقره، آیه ۲۸۰] و دیگر مواردی که ذکر آن توسعه بیشتری می‌طلبد که تقویت بنیان‌های حقوق بشر به واسطه چنین مواردی موجبات تشویق حق توسعه خواهد شد که خود چالش‌های جدی در حقوق بشر در جای جای جهان دارد و در این راستا به سایر نسل‌های حقوق بشر آسیب می‌زند. همچنان که در اعلامیه جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ در بند پنجم از بخش یکم در خصوص پیوند میان نسل‌های مختلف حقوق بشر می‌گوید:

تمامی انواع حقوق بشر، جهان شمول و تقسیم‌ناپذیر و با یکدیگر وابستگی متقابل و ارتباط تنگاتنگ دارند. در بند هشتم نیز دموکراسی، توسعه و رعایت حقوق بشر را در وابستگی متقابل دانسته و این که همدیگر را استحکام می‌بخشند. [۱۱، ص ۱۵۲-۱۵۳] جالب اینکه در قبال آن همه گشاده دستی دین و اقتصاد شیعه در رفع معضلات اقتصادی و تشویق به همبستگی، دکتربین جهان‌شمولی حقوق بشر و حقوق همبستگی، حق توسعه را به عنوان حقوق بشر تلقی نمی‌کند و آن را یک مفهوم در دسرافرین می‌داند که حقوق بشر به مفهوم غربی را به خطر می‌اندازد. [۱۵، ص ۱۱۸] در ادامه نمونه‌هایی از موازین حقوق بشر از ورای موازین اخلاقی و دین در رفتار رهبران بزرگ اسلام را ارائه می‌نمائیم:

بند دوم - نمونه حقوق مدنی - سیاسی

حق همسایه مسئله‌ای است که در حقوق بشر مطرح نمی‌باشد که می‌توان در بعد حقوق شهروندی و یا در ابعاد حقوق مدنی - سیاسی آن را قرار داد. در رویکرد دینی لزوم مراعات این حقوق قابل تأمل و تحسین می‌باشد از جمله:

۱- اهمیت همسایه

داشتن همسایه خوب در مکتب حضرت علی علیه‌السلام تا بدانجا اهمیت دارد که به فرزند برومندش سفارش می‌کند: پیش از راه از همراه و پیش از خانه از همسایه بپرس. [۱۲، نامه ۳۱]

۲- حق همسایه

ایشان در آخرین وصیتی که به فرزندان و جمیع بستگان و ارادتمندانش فرمود، حق

همسایه را بسیار بزرگ و محترم تلقی نموده در ضمن آن سفارش فرمود:
 - لزوم ایفای حقوق: «خدا را در باره همسایگانان در نظر داشته باشید که آنان مورد وصیت پیامبر شما است که همواره در باره آنان سفارش می‌فرمود تا جائی که گمان می‌کردیم که او همسایگان را جزء خانواده و ارث برندگان قرار خواهد داد» [۱۲، نامه ۴۷]
 - نهی از عدم ایفا: امام صادق علیه السلام می‌فرمود آیا شرم نکند مردی از شماها که همسایه‌اش حق همسایگی را نسبت باو رعایت کند ولی او حق همسایه را نشناسد؟! [۱۴، ج. ۲، ص. ۶۳۵]

۳- لزوم احترام متقابل حتی در فقدان جنبه‌های اخلاقی: می‌فرماید در آخر الزمان همسایه همسایه را گرامی می‌دارد از ترس زبانش. [۱۴، ج. ۸، ص ۴۰]

بند سوم - نمونه حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی

هدف از این دسته از حقوق حق کارکردن در شرایط عادلانه، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی، معیار زندگی رضایت‌بخش و دیگر معیارهای رفاه جسمانی و روانی می‌باشد که در مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلام شده‌اند و هدف آن استقرار برابری و عدالت اجتماعی می‌باشد. در مثال‌های ذیل نمونه‌های قابل توجهی از این حقوق که در حکومت حضرت علی (ع) و توسط ایشان به وقوع پیوسته است ملاحظه می‌شود.

۱- دفاع از حقوق اقلیتها

در زمان حکومت امام علی (ع) سفیان بن عوف از قبیله "بنی غامد" به دستور معاویه با گروهی از سپاهیان شام به قلمرو ایشان تجاوز نموده و شهر انبار را تسخیر کرده و در کنار جنایاتش به یک زن مسلمان و یک زن کافر ذمی حمله کرده و زیورآلات و اموالشان را به یغما برده بود. آن حضرت حتی دستبرد به اموال زن کافر را شدیداً سرزنش و فرمود اگر کسی از این حادثه دردناک بمیرد جای تعجب نیست [۱، ص ۳۱۰] که این امر می‌تواند تحت عنوان دفاع از حقوق اقلیتها نیز مورد توجه قرار گیرد.

۲- حقوق از کارافتادگی به اقلیتها

امام علی (ع) زمانی در مدینه با همراهان خود در عبور از برخی راهها متوجه پیرمردی شدند که در حال تکیه بود. علت آن را از اطرافیان پرسیدند. چه قاعدتاً در حکومت

ایشان، به سبب تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، چنین امری عجیب بوده است. آنان گفتند او مردی نصرانی است که به سبب پیری و ناتوانی تکدی می‌نماید. آن حضرت بسیار متأثر شده و فرمودند آیا از او استفاده نمودید، اکنون که از کار افتاده است، تأمین‌اش نمی‌کنید؟ سپس دستور فرمودند تا مخارج او از بیت‌المال تأمین شود. [۱۳، ص ۲۹۳]

۳- دفاع از حقوق اسیران

هنگامی که ایرانی‌ها در جنگ بین آنان و سپاه اسلام شکست خوردند تعداد زیادی اسیر و دستگیر شدند، «عمر بن خطاب» که حکومت مسلمین را در دست داشت، دستور داد زنانشان همچون برده‌ها و کنیزان دیگر به فروش برسند و مردانشان برده عرب‌ها شده و در موسم حج سالمندان و ناتوانان را بر گردن خود گذاشته و طواف دهند. امام علی (ع) از این اقلیت اسیر ایرانی که در آن زمان مسلمان نیز نبودند دفاع فرموده و اعتراض نموده و فرمودند اینان حکیمان و کریمان و بزرگ مردانی هستند که با رغبت خود به سوی ما آمده‌اند و باید با رأفت و محبت با آنان رفتار شود و لذا از حق خود و سایر بنی‌هاشم گذشت کردند و سایر مسلمانان نیز از حق خود گذشتند و «عمر» در برابر امام علی (ع) مجبور به تسلیم شد [۳، ج. ۴، ص ۴۸]

بند چهارم - نمونه حقوق همبستگی

ادیان الهی و از جمله آنها اسلام، روابط تمدنی بین جوامع و بین انسان‌ها را تکریم می‌کنند و بر آنها تأکید تام می‌ورزند. در همین راستا با ظهور اسلام و در تحت لوای آن، همه افراد جامعه اسلامی به رغم داشتن باورها و فرهنگ‌های مختلف از حقوق طبیعی و سیاسی - اجتماعی یکسان برخوردار بوده‌اند، چرا که حکومت اسلامی موظف است از حقوق تمامی افراد، گرچه غیر مسلمان باشند، دفاع کند. از این‌رو در فرهنگ حاکم بر حکومت امام علی (ع)، حتی اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و...) هم احساس امنیت، برابری در مقابل قانون و حتی امکان استیفای حقوق خود را داشته‌اند. امام علی (ع) به کل جامعه و ملت به دلیل اینکه زیرمجموعه نظام اسلامی هستند، توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در زمان امام علی (ع) مناطق و ایالات پنجگانه کشور اسلامی عبارت بوده است از: شبه جزیره عربستان، مصر، عراق، ایران و شام. حضرت در برخورد با افراد و فرهنگ‌های متفاوت آنها را با هم مرتبط و هماهنگ می‌فرموده‌اند.

در نامه ۵۱ نهج البلاغه، امام علی(ع) به کارگزاران بیت المال می نویسد: «از بنده خدا علی، امیرمؤمنان به کارگزاران جمع آوری مالیات. پس از یاد خدا و درورد در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید. همانا شما خزانه داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران و پیشوایان هستید. برای گرفتن مالیات از مردم، لباسهای تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی، نمازگزار باشد یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است (منظور ذمی است، یهودیان و مسیحیانی که در پناه دولت اسلامی زندگی می کردند)، دست اندازی نکنید». [۱۴، نامه ۵۱]

همچنین امام علی(ع) در نامه ۴۳ نهج البلاغه، خطاب به مصقلة بن هبیره شیبانی، فرماندار فیروزآباد فارس در مورد عدم تبعیض میان عرب و عجم می فرماید: «گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده ای و امام خویش را نافرمانی کرده ای. خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را، که نیزه ها و اسب های شان گرد آورده، و با ریخته شدن خون هایشان به دست آمده به اعرابی که خویشاوندان تو می باشند و تو را برگزیدند، می بخشی! به خدایی که دانه را شکافت و پدیده ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است. پس حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن که زیانکارترین انسانی». [۱۲، نامه ۴۳]

چنانچه ملاحظه می شود چنین رفتارهای اجتماعی و متکی بر همبستگی معنوی در تاریخ بشریت بی بدیل می باشد.

نتیجه

درست است که تصویب اعلامیه حق توسعه در ۱۹۸۶ نقطه عطف تلقی شده است به امید آن که از این راه همه آزادی های بنیادی و اساسی بشر تأمین شود! با این حال وجود موانع جدی آن را در حد یک خواسته فاقد ضمانت اجرا تنزل می دهد. از این گذشته ایرادات دیگری نیز به این رسته از حقوق بشر وارد شده است از جمله:

- حق توسعه حتی در صف اصول کلی حقوق قرار نمی گیرد.
- دکترین جهان شمولی حقوق بشر این حقوق را به عنوان حقوق بشر تلقی نمی کند.
- طرفداران چندانی در بین حقوق دانان ندارد.
- در عرف و رویه دولت ها پایه های چندانی ندارد.

- پروفیسور پله حق توسعه را یک وضعیت بدون استحکام می‌داند.
 - پایه‌های محکمی در حقوق بین‌الملل موضوعه ندارد.
 - برخی آن را یک مفهوم دردسر آفرین می‌دانند که از لحاظ حقوقی مشکل‌ساز است.
 - دنیای سرمایه‌داری علاقه‌ای به پذیرش آن نشان نمی‌دهد.
 - حقوق همبستگی در کانون چالش‌های جدید است که بشر با آن روبه‌رو است.
 برخی بر این باورند که کارهای بزرگ و ارزش‌مندی در توسعه حقوق بشر انجام گرفته که به سادگی امکان‌پذیر نبوده است. به نظر آنان همین‌که آمریکا بعد از ۲۶ سال حقوق بشر را می‌پذیرد شاید حتی با آن حق شرط‌هایش، امر ارزش‌مندی باشد. اما مسئله این‌جاست که حق همبستگی و توسعه از جمله حقوقی است که بیشتر نه از سوی مدعیان و مطالبه‌کنندگان که در نهایت از سوی طرف‌های مقابل باید پذیرفته و اجرا شود.

اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ اصول بنیادین جهان‌شمول را برای ابناء بشر مطرح و ادعا می‌کند، اما برخی متفکرین بر این حقوق به سبب واژه "برادری" به علت این‌که ریشه در حرکت‌های ایدئولوژیک دارد، انتقاد نموده‌اند، پاسخ آن است که در این صورت باید به ماده یک اعلامیه حقوق بشر نیز ایراد وارد کرد که سخن از روح برادری - یعنی چیزی فراتر از برادری - می‌گوید.

در مجموع و در کشاکش نفی و اثبات حقوق همبستگی و ابعاد و مصادیق آن توجه به مبانی فلسفی متفاوت و متضاد نافیان و مثبتان نیز به میان آمده است. مروری بر این تضارب آراء نشان می‌دهد که مبانی و فلسفه لیبرالیسم کاملاً بر حقوق وضعی مبتنی است. همچنانکه گفته شد جهت ارتقاء و عملی کردن حقوق همبستگی می‌توان از مکانیسم‌های متناسب اسلامی که در بسیاری از آیات قرآن کریم از جمله آیات حاوی مفاهیم و واژگانه‌های برابری و برابری ابناء بشر می‌باشد استفاده نمود. در باب مسائل اقتصادی نیز افعال اموال و اهداف افراد از طرفی رنگ و صبغه الهی به خود می‌گیرد و از طرف دیگر از انباشت سرمایه در دست افراد و قشر خاصی از جامعه جلوگیری می‌گردد که این ممنوعیت انباشت به نفع طبقه ضعیف بوده و در واقع آن سرمایه به زندگی اقشار کم در آمد جامعه تزریق می‌گردد، آن‌هم از طریق مالکیت الهی بر آن و یا لوجه الله مانند خمس، زکوة، صدقات و مانند آن. چنین توسعه‌ای است که پایدار می‌ماند. همچنین در راستای توسعه پایدار می‌توان روش‌های حضرت علی (ع) که در خطبه‌ها و

نامه‌های آن حضرت مانند نامه ۴۴ و ۵۱ ایشان می‌باشد را نصب العین قرار داد. قرآن کریم در سطوح غیرمادی حتی از هر گونه سخن گفتن که مورد اکراه دیگران است بر حذر می‌دارد (آیه ۱۲ سوره حجرات) و آن را به منزله خوردن گوشت مرده برادر انسان تلقی می‌نماید و بدین ترتیب پالایش را از منبع فاعلی آن آغاز می‌نماید و در سطوح مادی تا آنجا پیش می‌رود که انفاق را تنها زمانی دارای قابلیت می‌داند که از آنچه محبوب بخشنده باشد، صورت گیرد (آیه ۹۲ سوره آل عمران) و حتی "یک ذره" خوبی و بدی را قابل باز خورد و انعکاس به منبع صدور آن می‌داند (آیه ۸ سوره زلزال).

منابع

- [۱]. قرآن کریم
- [۲]. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، *معانی الأخبار*، مصحح/ محقق غفاری، علی‌اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳]. _____، (۴۱۸ هـ ق)، *الهدایه*، قم موسسه الامام الهادی (ع).
- [۴]. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ ق)، *مناقب آل ابیطالب علیهما السلام* (لابن شهر آشوب)، قم، علامه.
- [۵]. احمدی، عیدی محمد، (۱۳۹۰)، *کرامت انسانی و مجازات‌های بدنی از منظر اسلام و حقوق بشر* غربی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- [۶]. امیرارجمند، اردشیر، (از پاییز ۷۳ تا تابستان ۷۴)، «حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، تهران، شماره ۱۵، دفتر خدمات حقوقی.
- [۷]. انجیل متی.
- [۸]. پطروس گالی، پطروس، (۱۳۸۱)، «حقوق بین‌الملل در تکاپوی ارزش‌های خود، صلح، توسعه، دموکراسی»، ترجمه دکتر ابراهیم بیگزاده، *مجله تحقیقات حقوقی*، تهران، شماره ۳۶-۳۵.
- [۹]. چنگ، گریس، (۱۳۸۴)، *تقویت حقوق بشر با مسئولیت‌های بشر*، در: مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید، چاپ اول.
- [۱۰]. حسینی سیستانی، سیدعلی، (۱۳۹۲)، *رساله عملیه*، قلم آذین رضا، چاپ دوم.
- [۱۱]. حیدری، حاجی حامد، منتقی‌زاده، علی، (زمستان ۱۳۹۱)، «بازسازی الگوی بازاندیشی گیدنز بر مبنای مواضع اخیرتر او راجع به سنت»، *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۳.
- [۱۲]. ذاکریان، مهدی، (۱۳۸۱)، *حقوق بشر در هزاره جدید*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- [۱۳]. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق.)، *نهج البلاغه*، مصحح: صالح، صبحی، قم: هجرت.
- [۱۴]. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ ق.)، *تهذیب الأحکام* (تحقیق خراسان)، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی: تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۱۵]. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۴)، *الروضه من الکافی*، مترجم: هاشم رسولی، تهران، علمیه اسلامی، ج ۱.

- [۱۶]. وکیل، امیرساعد، پوریا عسگری، (۱۳۸۳)، *نسل سوم حقوق بشر - حقوق همبستگی*، تهران، انتشارات مجد.
- [17]. Andersen, Erik André and Birgit Lindsnæs (2007), *Public goods, Concept, definition, and method, in Towards New Global Strategies: Public Goods and Human Rights*, Edited by Erik André Andersen Birgit Lindsnaes, The Netherlands, Martinus Nijhoff Publishers
- [18]. Cassese, Antonio, (1998), *Self-Determination of Peoples: A Legal Appraisal*, Cambridge University Press, Cambridge.
- [19]. Dinstein, Yoram, (1976), "Collective human rights of peoples and minorities", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 25, 1976.
- [20]. Donnelly, Jack (1990), *Human Rights, Individuals Rights and Collective Rights, In: Human Rights in a Pluralist World: Individuals and Collectivities*, The Editors: Jan Berting and others, Netherlands Commission for UNESCO, Meckler, Westport /London.
- [21]. Galenkamp, Marlies (1995), *Collective Rights, Reports Commissioned by Advisory Committee on Human Rights and Foreign Policy of Netherlands, SIM Special 16, Utrecht*.
- [22]. Jones, Peter (2008), *Group Rights, Stanford Encyclopedia of Philosophy*, available in: <https://plato.stanford.edu/entries/rights-group/>
- [23]. Makinson, David (1988), *Rights of Peoples: Point of View of a Logician*, in: James Crawford (ed.), *the Rights of Peoples*, Clarendon Press, Oxford.
- [24]. P. Spicker, Paul (2006), *Liberty, Equality, Fraternity, UK*, the Policy Press.
- [25]. Rich, Roland. Y, (1982) "Right to Development as an Emerging Human Right", *Virginia Journal of International Law*, 23.
- [26]. SNS-89/CONF.602/7, (*Final Report and Recommendations of an International Meeting of Experts on the Further Study of the Concept of the Rights of People for UNESCO*, 22 February 1990).
- [27]. Vanderwal, Koo (1990), *Collective Human Rights: a Western View, In: Human Rights in a Pluralist World: Individuals and Collectivities*, The Editors: Jan Berting and others, Netherlands Commission for UNESCO, Meckler, Westport /London.
- [28]. Waldron, Jeremy (1996), *the Philosophy of Rights, in: An Encyclopedia of Philosophy*, Edited by G. H. R. Parkinson, London, Routledge.
- [29]. William, Felice (1996), *Taking Suffering Seriously: The Importance of Collective Human Rights*, State University of New York Press.